

نقدی بر رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی: هم‌گشتگی چهار حوزه روش‌شناختی

زاهد غفاری هاشجین*

محمد آقائی**

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به‌مثابه یک رویداد مجموعه‌ای درهم‌تنیده از عوامل گوناگون و به‌مثابه یک جریان پیکری نامی از رخدادهایی بی‌شمار به‌شمار می‌آید. پرواضح است که برای مطالعه ابعاد گسترده چنین پدیده‌ای به مطالعات گسترده نیاز است. هدف از نگارش این مقاله شناخت و جوه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی در قالب بررسی دوره دکتری بین‌رشته‌ای طراحی شده و در حال اجراست. از این ره‌گذر سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی چگونه توانسته است به شناختی جامع از حوزه معرفتی سیاسی انقلاب اسلامی دست یابد؟ یافته‌های پژوهش براساس روش کیفی تحلیل و مطالعات اسنادی که جمع‌آوری داده‌های آن مبتنی بر ابزار فیش‌برداری بوده است نشان می‌دهد که قرارگرفتن مفهوم انقلاب اسلامی بر تقاطع چهار حوزه روش‌شناختی اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، و بازتاب انقلاب اسلامی توانسته است به‌مثابه مدلی منسجم با کاربست چهار روش گوناگون و البته متقاطع به شناخت مناسب از بعد سیاسی انقلاب اسلامی دست یابد.

کلیدواژه‌ها: مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، روش‌شناسی، اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، بازتاب انقلاب اسلامی.

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد، z_ghafari@yahoo.com

** دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)
aghaei_1369@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۰

۱. مقدمه

پرواضح است که هر آنچه تحت عنوان رشته‌ای قرار می‌گیرد چیزی جز روش‌های منسجم و منظم برای طبقه‌بندی و بررسی پدیده‌ها نیست (آر، ۱۳۸۷: ۱۷۰). به عبارت دیگر، رشته‌ها همان روش‌های کسب معرفت پدیده‌های گوناگون‌اند که از منظری خاص و با ابزاری خاص به مطالعه پدیده‌ها می‌پردازند.

نگاه رشته‌محور به مذاق دسته‌ای از علوم خوش آمده و برای مطالعه آن‌ها کارآمدی خود را اثبات کرده است، اما باید توجه داشت که بسیاری از علوم در دنیای امروز دیگر بسیط نیستند. به عبارت دیگر، از تلفیق پدیده‌های گوناگون در جهان بیرون ماهیت‌هایی به وجود آمده که برای مطالعه آن‌ها ناگزیر به کار بست چند روش گوناگون نیاز است. از همین روست که هم‌رشتگی و میان‌رشتگی دو الگوواره مسلط در دانش مدرن محسوب می‌شوند (Heidegger, 1997: 155).

به‌باور برخی اندیشمندان، گذار از دوران مکانیکی به دوران شبکه‌ای لزوم بین‌رشته‌ای شدن دانش را در پی داشته است. به عبارت دیگر، همان‌گونه که در وضع شبکه‌ای تغییر هر جزء مستلزم تغییر در کلیت یک برساخته است، برای مطالعه یک پدیده نیز لازم است آن را در کلیت خود و از زوایای مختلف بررسی کنیم (رژکوله، ۱۳۸۸: ۱۲). از طرفی، قائلان به میان‌رشتگی به حدی در این زمینه پیش رفته‌اند که رگه‌هایی از افراط در دیدگاه‌های آنان قابل‌پی‌گیری است، به حدی که برای مثال از منظر آن‌ها فهم تفاوت میان سه رشته حقوق، علوم سیاسی، و جامعه‌شناسی خود به مشکلی تازه تبدیل شده که تاکنون پاسخ روشنی به آن داده نشده است (خلیلی، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۹).

انقلاب اسلامی در کلیت خود مفهومی میان‌رشته‌ای است و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به منزله یک حوزه بین‌رشته‌ای مستقل نیازمند کاربرد چهار حوزه روش‌شناختی مختلف است تا ابعاد و حدود آن به درستی شناخته شود. هدف اصلی نوشتار حاضر آن است که نشان دهد رشته دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی^۱ چگونه توانسته است با تلفیق چهار روش اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، و بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام (به‌مثابه گرایش‌های اصلی) به شناخت جامع از این پدیده دست یابد. برای این منظور، ابتدا لازم است توضیحی در باب انقلاب اسلامی، نوع ورود به مطالعه آن، و ضرورت بین‌رشته‌ای‌انگاشتن آن آورده شود.

۲. بنیان‌های نظری؛ انقلاب اسلامی در سه چشم‌انداز و چهار روش

اساساً انقلاب اسلامی را می‌توان در سه چشم‌انداز مطالعه کرد. اول آن که انقلاب اسلامی به‌مثابه یک واقعه و یا یک رویداد مطالعه شود. در این چشم‌انداز به‌صورت موردی انقلاب اسلامی ایران را که در بهمن سال ۱۳۵۷ در مرزهای سرزمینی ایران به پیروزی رسید مطالعه و ابعاد و زوایای آن را بازشناسی می‌شود.

در چشم‌انداز دوم، انقلاب اسلامی یک جریان انگاشته می‌شود، جریانی سیال که طیف گسترده‌ای از انقلاب‌های اسلامی را در سرزمین‌های گوناگون و در دوران‌های مختلف در بر می‌گیرد (صدیقی، ۱۳۵۷: ۱۰۶). در این چشم‌انداز، مکان و یا سال وقوع یک انقلاب خاص اهمیتی ندارد، بلکه آنچه اهمیت دارد نگاه به مجموعه‌ای از انقلاب‌هاست که اسلامی بودن از منظر علم منطق فصل خاص همگی آن‌ها محسوب می‌شود و انقلاب اسلامی ایران نیز نه به‌صورت متعین و مستقل، بلکه در دل آن و در همان طیف قرار دارد.

در چشم‌انداز سوم، انقلاب اسلامی نوعی گفتمان در نظر گرفته می‌شود. در این نگاه، انقلاب اسلامی دارای نظام ارزشی و کارکردی مختص خود است که در دیالکتیک سلب و ایجاب معانی ارزشی و کارکردی خاصی را به خود گرفته و بالطبع دایره‌ای گسترده از مفاهیم را از خود دور کرده و با قدرت سیاسی ربطی عمیق و وثیق یافته است (ذوعلم، ۱۳۹۳: ۴۰-۴۴). در این نگاه، انقلاب اسلامی یک نظام‌واره معنایی انگاشته می‌شود که برای فهم آن ناگزیر به درک مفاهیم الگوواره‌ای آن درمقابل الگوواره‌های سایر نظام‌های معنایی هستیم.

۱.۲ به‌سوی روش

برای بررسی انقلاب در هر کدام از این سه چشم‌انداز ناگزیر به استفاده از روشی خاص هستیم که بتواند مفاهیم مطروح در آن را به‌دقت و به‌صورت جامع بکاود. بدیهی است که مطالعه اصل انقلاب اسلامی ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و حدود آن را باید در طیف گسترده‌ای از معارف جست‌وجو کرد. متأسفانه، چون قواره دانش‌های موجود با پیکره واقعی انقلاب اسلامی سازگار نبوده است، تحلیل‌های علمی متقنی از این پدیده ارائه نشده است که بتواند تمام حدود آن را پوشش دهد (همان: ۴۴). به همین دلیل است که اکثر تبیین‌ها و به‌خصوص

آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی‌هایی که از این پدیده ارائه شده هرگز جامع نبوده است (عیوضی، ۱۳۹۵: ۱۹۴). درست در همین نقطه است که ضرورت تأسیس برنامه‌ای بین‌رشته‌ای مستقل در سطح عالی‌ترین مقطع تحصیلی برای مطالعه جامع حدود آن روشن می‌شود.

باید توجه داشت که اصولاً در علوم انسانی فقر روشی ناگزیری حاکم است که توانسته به‌صورت چشم‌گیری از اهمیت این طیف از دانش در میان اندیشمندان بکاهد (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۶۱-۹۲). به‌عبارت‌دیگر، هرچند علوم انسانی گرانگه تمام دانش‌های بشری محسوب می‌شود، ولی با دست‌وپازدن در نوستالژی روش‌هایی که به زمانی غیر از زمان حاضر اختصاص دارد و هم‌چنین روزآمدنکردن جریان‌های مسلط روش‌شناسی و تغییر و تبدیل آن‌ها به حوزه‌های کارآمد بین‌رشته‌ای جایگاه رفیع خود را در میان متفکران بسیاری از دست داده است. این مشکل در علوم سیاسی به‌منزله یک رشته مستقل نیز به‌چشم می‌خورد، تا جایی که امروزه و در میان دانشمندان این رشته استفاده از روش‌های جدید در انجام پژوهش‌های گوناگون خود به‌مثابه یک امتیاز جدی مطرح است (حشمت‌زاده، ۱۳۸۹: ۳). به‌خصوص، در حوزه مطالعات انقلاب اسلامی معضل روش و اندیشیدن برای حل آن یکی از دغدغه‌های متخصصان این حوزه بوده است^۱ (افتخاری، ۱۳۸۷: ۷-۴۵). ازسوی دیگر، داشتن نگاه بین‌رشته‌ای به پژوهش‌گری می‌رساند تا برای شناخت محدوده مفهومی یک موضوع از مرزهای رشته‌ای بیرون رود و با ترکیب و ادغام رشته‌های مختلف دانشگاهی راهی جدید به‌سوی شناخت همه‌جانبه از موضوع بیابد، راهی که به یک رشته و حدود آن محدود نیست و از ابزارهای مختلف شناخت برای پیش‌برد معرفت‌اندوزی بهره می‌برد (برزگر، ۱۳۸۷: ۳۶).

بعثت پیامبر اسلام (ص) و دگرگونی‌های اسلامی ایجادشده به‌دست آن حضرت جریانی سیال در طول تاریخ اسلام بوده است. این دگرگونی‌ها در عصر جدید مولد امواجی گوناگون بوده است که از آن‌ها به نام نهضت‌های اسلامی و یا اصلاح‌طلبی دینی یاد می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷: ۷). از این منظر، انقلاب اسلامی را می‌توان یکی از همین نهضت‌ها به‌حساب آورد که در بستر این طیف از رویدادها و البته با الگوواره‌ای متفاوت و در فضایی متفاوت شکل گرفته است.

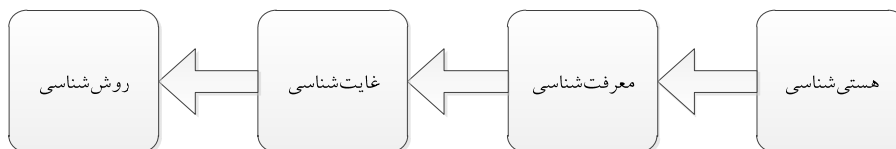
برای مطالعه این رویداد گفتمانی لازم است کلیت انقلاب اسلامی را ذیل چند موضوع مطالعه کنیم تا به تبیینی جامع از آن دست یابیم. این محورها در نمودار شماره ۱ بیان شده است.



نمودار ۱. محورهای مطالعه کلیت انقلاب اسلامی

۲.۲ تولد مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی با امتزاج چهار روش

به لحاظ نظری، روش شناسی مطالعه روش‌ها و توجیه‌کننده شیوه‌های اقدام است (میلز، ۱۳۸۲: ۶۹). به عبارت دیگر، وقتی تکلیف ما با هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و غایت‌شناسی روشن شد، می‌توانیم شیوه‌ای خاص از اقدام و عمل را برای رسیدن به هدف انتخاب کنیم و روش‌شناسی در انتخاب این شیوه و مشروعیت‌بخشیدن به آن کمک می‌کند (Harding, 1998: 2). در واقع، روش‌شناسی یکی از عناصر بنیادین شناخت به‌شمار می‌آید که خط‌مشی معرفت به یک هستی متعین بسیط یا مرکب را با مدنظر قراردادن هدف نهایی مشخص و ممتاز می‌کند.



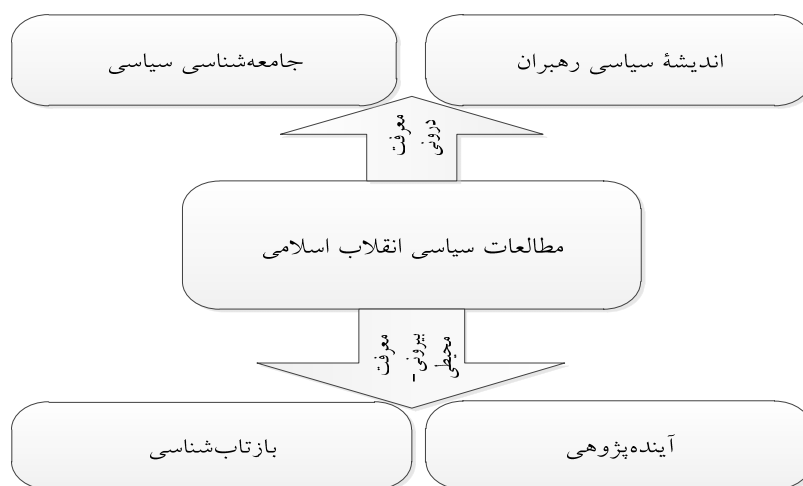
نمودار ۲: به‌سوی روش

در واقع، روش‌شناسی شیوه‌های گوناگون رسیدن به هدف غایی را برای فرد مشخص می‌کند و راه‌های متفاوتی را پیش پای او قرار می‌دهد و علاوه بر معرفی شیوه‌های گوناگون، صحیح‌ترین راه ممکن را برای فرد مشخص می‌کند (Carter and Little, 2007: 28). باید

توجه داشت که غایت مهم‌ترین هدف یک فرد و یا یک مجموعه است. ممکن است فرد اهداف گوناگونی برای خود تعریف کند و در پی دستیابی به تمامی آن‌ها باشد، ولی در این مجموعه اهداف یک هدف بسیار مهم وجود دارد که سایر اهداف را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، هدفی که رسیدن به سایر اهداف مقدمه‌ای برای رسیدن به آن است. به عبارت دیگر، غایت همان هدف نهایی است که تمامی اهداف خرد و میانه یک بازیگر در ذیل آن و در راستای آن تعریف می‌شود.^۳

در سطور پیشین بیان شد که رشته‌ها همان روش‌های متفاوت شناخت مفاهیم‌اند. با توجه به این تعریف از رشته مشخص می‌شود که عنصر روش در شناخت ابعاد سیاسی انقلاب اسلامی همان گرایش‌های گوناگونی است که در راستای شناخت کلیت سیاسی انقلاب اسلامی در طراحی رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به‌منابۀ مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای مدنظر قرار گرفته است.

درواقع، برای شناخت سیاسی انقلاب اسلامی، به‌دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای آن، منطقی‌اً نمی‌توان به کاربست تنها یک روش مبادرت کرد، بلکه لازم است امتزاجی از روش‌های متفاوت، ولی متقاطع برای این مهم صورت گیرد، به‌نحوی که حدود مفهومی آن را به‌گونه‌ای درخور و در قالب معرفت درونی به انقلاب و معرفت محیطی - بیرونی در بر گیرد. یعنی بتواند از چشم‌انداز درونی ابعاد اندیشه‌ای رهبران و ابعاد جامعه‌شناختی و ازمنظر محیطی - بیرونی آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی و بازتاب انقلاب اسلامی در صفحه بین‌المللی را مطالعه و بررسی کند.



نمودار ۳. اجزای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی

۳. مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به مثابه دانشی بین‌رشته‌ای

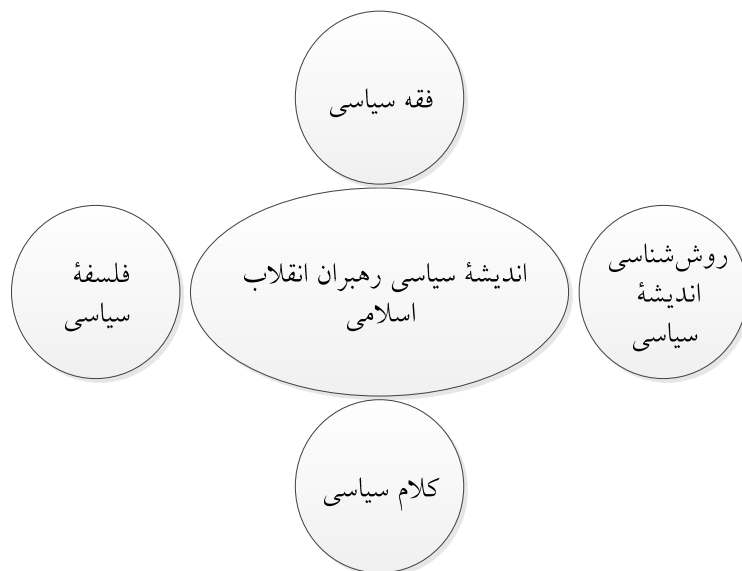
در بخش مبانی نظری مشخص شد که مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی اساساً برساخته‌ای بین‌رشته‌ای است که در نقطه تقاطع چهار حوزه روش‌شناختی ایجاد شده است. نوع ساخت این حوزه مطالعاتی به‌گونه‌ای است که هم ابعاد درونی انقلاب اسلامی و هم ابعاد محیطی - بیرونی آن را در بر می‌گیرد و از این مجرا شناختی جامع از مفهوم سیاسی انقلاب اسلامی حاصل می‌کند.

باید توجه داشت که هر یک از ابعاد این چهارگانه روشی خود حوزه‌ای مستقل دارند که مسائل گوناگونی را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، هر یک از گرایش‌های چهارگانه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی خود حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که از امتزاج روش‌ها/ رشته‌های کلاسیک متفرد به وجود آمده است. برای فهم هر چه بهتر حدود هر یک از این چهار حوزه ارائه توضیحاتی مختصر لازم به نظر می‌آید که در همین بخش به آن‌ها اشارع می‌شود.

۱.۳ اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی

یکی از روش‌های مهم برای مطالعه انقلاب اسلامی مطالعه ابعاد و زوایای گوناگون انقلاب اسلامی از منظر رهبران انقلاب است. مطالعه اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی از دو نظر مهم است. اول آن که شکل‌گیری اندیشه سیاسی ایشان از مفاهیم ناب اندیشه معصومان (ع) نشئت گرفته است و از این منظر شناخت اندیشه سیاسی ایشان گامی مهم در شناخت فرهنگ سیاسی اصیل تشیع است. به عبارت دیگر، مطالعه اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی راهی است که شناخت بنیان‌های فرهنگ سیاسی شیعه را امکان‌پذیر می‌سازد، زیرا این اندیشه‌ها دقیقاً مطابق با بن‌مایه‌های تفکری شیعه است که از آبشخور معارف ناب ائمه اطهار (ع) سیراب شده است.

یکی از اهداف اساسی این گرایش نیز آن است که شناخت فرهنگ سیاسی تشیع را از طریق مطالعه اندیشه رهبران انقلاب اسلامی عمق ببخشد. باید توجه داشت که این گرایش به مثابه یکی از اطراف چهارگانه روشی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی خود از چند حوزه متعین و مجزا امتزاج یافته است و در ساحت‌های گوناگون اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی را مطالعه می‌کند. حوزه‌های به‌کاررفته در تشکیل این گرایش در نمودار شماره ۴ به روشنی نشان داده شده است.



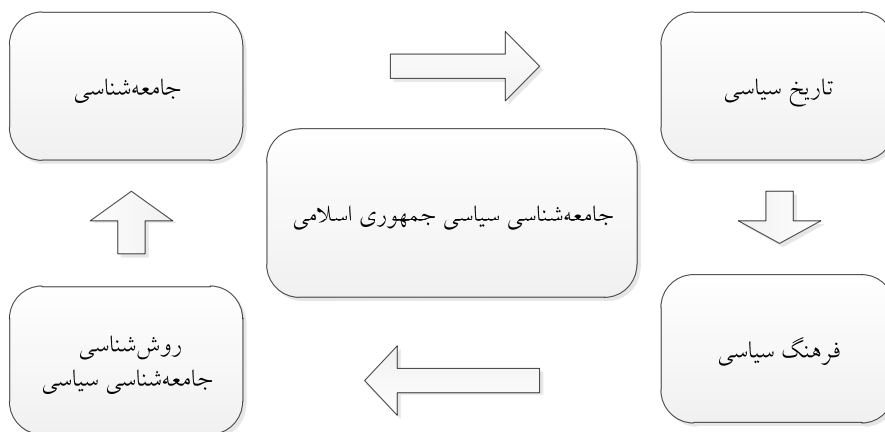
نمودار ۴. اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی و اجزای بنیادین آن

در گرایش اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی چهار حوزه روشی با چهار دغدغه فکری روشی را برای شناخت یکی از ابعاد سیاسی انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد که معرفتی دقیق از این حوزه حاصل می‌کند. همان‌طور که نمودار شماره ۴ نشان می‌دهد، مبانی اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی با مطالعه در فقه سیاسی، فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، و در نهایت روش‌شناسی سیاسی امکان‌پذیر خواهد بود، زیرا آبشخور اندیشه رهبران همین چهارگانه بوده است. در روش‌شناسی مبانی روشی، شناخت روش‌های گوناگون اندیشه و در نهایت کاربرد آن مطالعه می‌شود. روش‌ها ذیل الگوهای اولیه معرفت‌شناسانه و ثانویه روش‌شناسانه مطالعه می‌شود و در خلال آن‌ها منطق تبیین، منطق توصیف، و روش‌های عقلی، نقلی، تاریخی، و تفهیمی بررسی می‌شود. سه مورد دیگر از این چهارگانه که در نمودار بالا آمده است به صورت مستقل در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی مطالعه و بررسی می‌شود و نتایجی هم‌چون شناخت منظومه فقهی ایشان، گونه‌شناسی سیاست و ارتباط دین و سیاست، ضرورت حکومت و حکومت مطلوب، قلمرو ولایت فقیه و حدود و اطراف آن، و در نهایت دیدگاه‌های ایشان درباره مسائل اساسی اندیشه سیاسی هم‌چون عدالت، آزادی، استقلال، هویت، قانون‌مداری، مردم‌سالاری، مشارکت سیاسی، و مصلحت‌شناسی بررسی می‌شود.^۵

۲.۳ جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی

دامنه و گستره مفهوم انقلاب شامل زمینه‌ها و علل، روندها و مراحل، پیامدها، و نتایج است. که در این صورت جمهوری اسلامی به‌مثابه نهاد برآمده از انقلاب اسلامی در این گستره مفهومی جای می‌گیرد. پاسخ‌گویی به خواسته‌های اساسی و نیازهای روز کشور در راستای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی یکی از اهدافی است که در موجودیت‌یافتن گرایش جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی نقشی اساسی ایفا کرده است. برای ارزیابی آسیب‌های اجتماعی داخلی و یا بین‌المللی انقلاب اسلامی ناگزیر به کاربست این روش برای مطالعه سیاسی انقلاب اسلامی هستیم تا تصویری روشن از موقعیت جامعه‌شناختی سیاسی جمهوری اسلامی به‌دست آید.

جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی به‌مثابه یک گرایش از گرایش‌های چهارگانه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی خود محصول امتزاج چند حوزه تخصصی متفرد است که در دوران پیشامدرن به‌صورت مستقل شناخته می‌شده است. این هم‌گشتگی به فهمی منطقی از بعد سیاسی انقلاب اسلامی کمک می‌کند.^۶ این گرایش از اجزایی امتزاج یافته است که در نمودار شماره ۵ به‌روشنی بیان شده است.



نمودار ۵. جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی و اجزای بنیادین آن

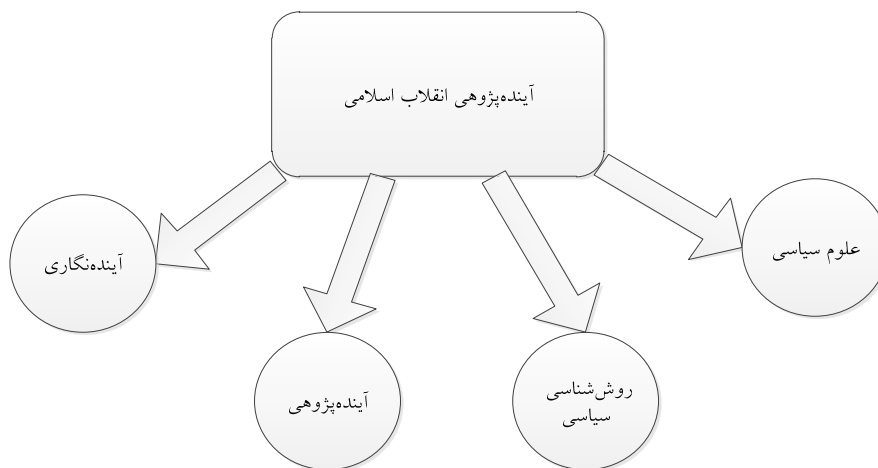
همان‌طور که از نمودار بالا فهمیده می‌شود، این گرایش چهار حوزه تخصصی را با هم تلفیق می‌کند و از این طریق موجبات فهم سیاسی همه‌جانبه جمهوری اسلامی با روش جامعه‌شناسی سیاسی را فراهم می‌آورد. یکی از اقتضائات این نگاه شناخت روش‌های

گوناگون تحقیق در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و نحوه کاربست آن در مسائل مختلف مرتبط با این حوزه است. هم‌چنین، این‌گرایش سعی در شناخت سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران را دارد. در واقع، فهم نوع حکومت و مدل سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران از دغدغه‌های بنیادین این‌گرایش است. یکی از مسائل مهمی که در این‌گرایش بررسی می‌شود آن است که انواع نخبگان، ویژگی‌های ایشان، و نقش آنان در جمهوری اسلامی چیست. مباحث مربوط به نخبگان از مسائل اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی است که می‌تواند نقشی مهم در سیاست‌گذاری کلان کشور ایفا کند. البته نباید از این نکته غفلت شود که در این‌گرایش به شناخت گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و ارتباط آن‌ها با سیاست‌های کلان نظام، نخبگان، طبقات اجتماعی، سازوکارهای رقابت و رفتار انتخاباتی، و هم‌چنین آسیب‌شناسی جریان‌های سیاسی در جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود.^۷

۳.۳ آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی

برای آن‌که تصویری روشن از حدود تمدن نوینی که انقلاب اسلامی ایران نویدبخش آن بوده است به دست آید لازم است مطالعه‌ای فراگیر در زمینه آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری انقلاب اسلامی انجام شود. به عبارت دیگر، مطالعه در آینده‌های محتمل و مطلوب پیش‌روی انقلاب اسلامی یکی از کارهای اساسی است که لزوم پرداختن به آن در یک فضای تخصصی و به‌شکلی مستقل ضروری می‌نماید. این ضرورت در حیطه رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی اهمیت و فوریتی دوچندان می‌یابد، زیرا مطالعه انقلاب اسلامی در چشم‌اندازی سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر آن‌که، علاوه بر شناخت محیط داخلی این پدیده، به شناخت ابعاد محیطی - بیرونی آن نیز همت گمارده شود. براساس نمودار شماره ۳ روشن است که آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی یکی از دوگانه مهم مطالعه سیاسی محیطی - بیرونی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، خود حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که از امتزاج و ادغام چند حوزه کلاسیک مطالعاتی شکل گرفته است. حوزه‌هایی که هر یک به صورت مستقل به‌مثابه روشی خاص برای فهم یک پدیده کاربست می‌یابد و حدود مفهومی آن را واکاوی می‌کند.^۸ در نمودار شماره ۶ حوزه‌های امتزاج‌یافته در تشکیل این‌گرایش مشخص شده است.



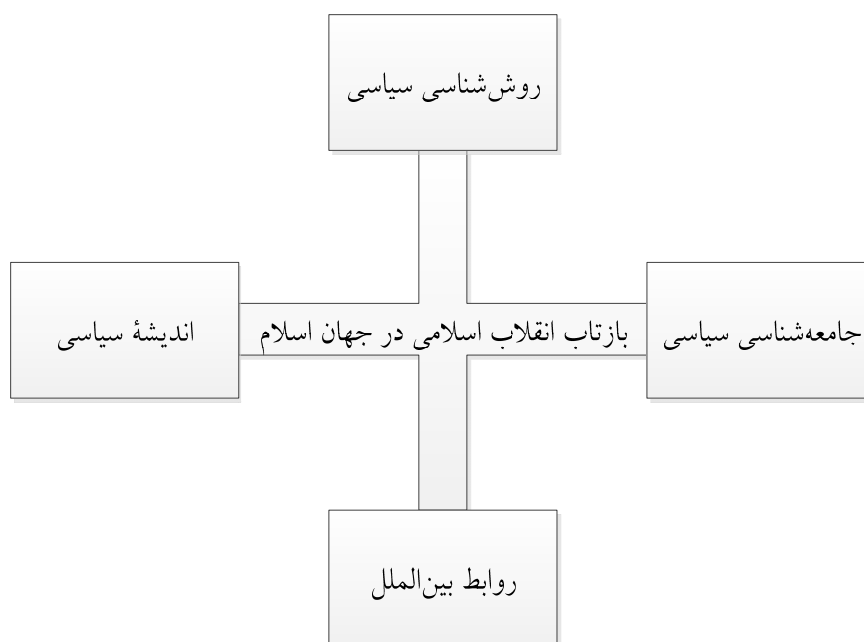
نمودار ۶. میان‌رشتگی در آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی

همان‌طور که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، این گرایش خود از چهار حوزه تخصصی تشکیل شده است. لزوم مطالعه روش‌شناسی آن است که محققان در این گرایش با ابزارهای تخصصی گردآوری و تحلیل داده‌ها در فضای آینده‌پژوهی آشنا شوند و روش‌های کاربست این شیوه‌ها را در تحقیقات خود بررسی کنند. از همین طریق است که ایشان مسائل حوزه آینده‌پژوهی را در مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی واکاوی می‌کنند و کاربرد روش‌های آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی را در این زمینه‌ها فرامی‌گیرند. یکی از اهداف اساسی این گرایش آن است که تأثیر انقلاب اسلامی را در آینده نظام بین‌المللی بررسی کند، به این صورت که آرمان‌های انقلاب اسلامی هم‌چون عدالت، آزادی، مردم‌باوری، عزت، رفاه، استقلال، و ... به صورت تخصصی مطالعه و راه‌ها و موانع تحقق آن بررسی می‌شود. در همین راستا، طرح تحقق تمدن نوین اسلامی به منزله آینده مطلوب و متوقع انقلاب اسلامی به شکل تخصصی مطالعه می‌شود. یکی از مسائل مهم که در این گرایش بر آن بسیار تأکید می‌شود لزوم سناریونویسی برای انقلاب اسلامی و تبیین و تحلیل هر یک از این سناریوهاست. به عبارت دیگر، سناریوها در سه حیطه نظری، عملی، و ماهیتی شناسایی می‌شوند و از همین مجرا چگونگی گسترش آرمان‌های انقلاب اسلامی که در دل آن سناریوها نهفته است طراحی می‌شود. طبیعی است که وقتی آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به کار برده می‌شود لازم است که ربط آینده‌پژوهی در مطالعات اسلامی و جایگاه این تخصص در اسلام‌پژوهی مطالعه شود. به همین علت، محققان در این گرایش به جایگاه و اهمیت آینده‌پژوهی در مطالعات اسلامی بررسی و تبیین می‌شود.^۹

۴.۳ بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام

یکی از راه‌های بررسی اهمیت یک پدیده در جهان خارج آن است که تأثیرهای آن پدیده بر دنیای پیرامون آن بررسی، تحلیل، و واکاوی شود. هر قدر پدیده و آرمانی که در دل آن نهفته است تأثیری عمیق‌تر بر جنبش‌ها و نظریات موجود در عصر خود داشته باشد، اهمیت و اعتبار آن به‌مثابه مسئله پژوهش بیش‌تر خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، شدت آثار انقلاب اسلامی بر نظریه‌ها و جنبش‌هایی که بعد از آن در جهان اسلام به‌وقوع پیوستند به‌مثابه سنگ محکی است که فراگیری، شمولیت، و عقل‌پذیر بودن آن را بیش‌ازپیش تأیید می‌کند.

بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام به‌مثابه گرایشی در رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی اساساً بنیانی بین‌رشته‌ای است که از ترکیب حوزه‌های گوناگون تشکیل شده است، حوزه‌هایی که هر یک به‌مثابه رشته‌ای مستقل در دوران کلاسیک دانش محسوب می‌شده‌اند.^{۱۰} شناخت این حوزه‌ها تا حد زیادی می‌تواند شناسای اهداف این گرایش باشد و راه را برای شناخت آن هموار کند. برای فهم بهتر از حدود مفهومی این گرایش رشته‌های تخصصی امتزاج‌یافته در تشکیل آن در نمودار شماره ۷ آورده شده است.



نمودار ۷. میان‌رشتگی در گرایش بازتاب انقلاب اسلامی

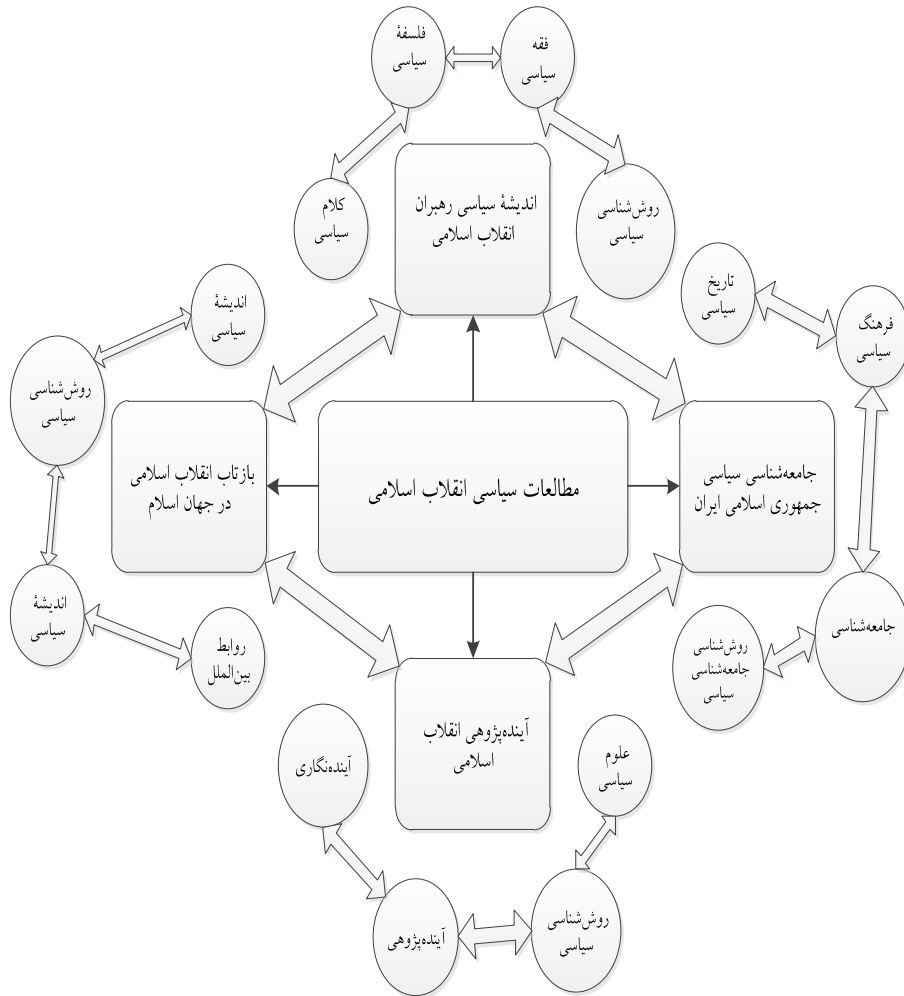
همان‌طور که از نمودار شماره ۷ پیداست، این گرایش در چهار حوزه تخصصی علوم سیاسی در معنای کلاسیک خود ریشه دارد. در روش‌شناسی سیاسی سطوح مختلف تحلیل بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران از جمله سطح افراد، سطح دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، سطح نهضت‌ها، حرکت‌ها و احزاب، سطح راه‌بردهای منطقه‌ای و جهانی، سطح تحول در قطب‌بندی نظام بین‌المللی، سطح نظریه‌ها، و در نهایت سطح اندیشه بررسی می‌شود. روش‌های قیاسی و استقرایی و خرده‌روش‌هایی که از دل این دو کلان‌الگو بیرون می‌آیند مطالعه می‌شوند و انواع داده‌های تخصصی این گرایش و ابزار گردآوری آن‌ها بررسی می‌شود.

جریان بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۰ و در پی انقلاب مردمی تونس شکل گرفت و سپس در تعدادی از کشورهای مهم عربی هم‌چون مصر، لیبی، یمن، و بحرین ادامه یافت از مهم‌ترین تحولات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در این دوران محسوب می‌شود، جریانی که بسیاری از تحلیل‌گران از همان ابتدا آن را در عداد بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران به حساب می‌آورند. یکی از مسائل مهمی که در این گرایش بررسی می‌شود تأثیر بازتاب انقلاب اسلامی بر جریان بیداری اسلامی است که از طریق مطالعه مبانی انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی، مباحث مربوط به صدور انقلاب، شناخت وجوه تشابه و تفاوت انقلاب اسلامی با بیداری اسلامی، و در نهایت تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های بیداری در تمام سطح جهان بررسی می‌شود. البته بررسی بازتاب‌ها به جریان بیداری اسلامی منحصر نیست، بلکه در این گرایش تأثیر انقلاب اسلامی بر تمامی جنبش‌های جهان اسلام نیز بررسی می‌شود.

یکی دیگر از حوزه‌های مهم که در این گرایش بررسی می‌شود تأثیرهای نظری انقلاب اسلامی بر تحول علوم اجتماعی، نظریات انقلاب، نظریات روابط بین‌الملل، اندیشه سیاسی اسلام، و فقه سیاسی شیعه است.^{۱۱}

۵.۳ مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی و هم‌گشتگی حوزه‌های روش‌شناسی

با تأمل در مطالب مذکور در سطور پیشین این نوشتار جایگاه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به مثابه دانشی بین‌رشته‌ای مشخص شد. بر این اساس، در نمودار شماره ۸ مدلی مفهومی از حدود موضوعی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی ترسیم شده است.



نمودار ۸ مدل مفهومی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی

نمودار بالا به‌وضوح اشکال تعامل و درهم‌تنیدگی رشته‌های گوناگون را به‌مثابه رشته‌های پشتیبان به‌نمایش می‌گذارد و چگونگی تلاقی این رشته‌ها در قالب‌گرایش‌های مختلف دوره‌دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی را به‌مثابه‌کانون یک دوره تحصیلات تکمیلی بین‌رشته‌ای نشان می‌دهد. این مدل بیان می‌کند که چگونه رشته‌های متفرد و پراکنده در قالب رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی هم‌گشته می‌شود و پیکره‌ای جامع برای فهم مباحث گسترده سیاسی انقلاب اسلامی را فراهم می‌کند. درواقع، هر کدام از گرایش‌های چهارگانه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به‌مثابه روشی برای فهم یکی از ابعاد درونی و یا

محیط / بیرونی کلیت سیاسی انقلاب اسلامی است. روش‌هایی که خود از هم‌گشتگی و امتزاج چند روش کلاسیک به‌وجود آمده‌اند.

طبق مدل مذکور، پیکره مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی نظامی (سیستمی) ارگانیک انگاشته می‌شود که از چهار جزء تشکیل شده است: اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی و جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی برای مطالعه در ابعاد درونی آن، و آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام برای مطالعه در ابعاد محیطی - بیرونی آن. این اجزای چهارگانه در یک الگوی ارگانیک و با کمک یک‌دیگر روشی منطقی و معقول در فهم انقلاب اسلامی از منظر سیاسی فراهم می‌آورند.

هر کدام از این چهارگانه اصلی، خود، از چهارگانه فرعی دیگری هم‌گشته شده است که روشی مناسب با هر یک از این ابعاد را به‌وجود آورده است. این چهارگانه فرعی با یاری یک‌دیگر به شناخت هر یک از اطراف اصلی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی می‌انجامد. این چهارگانه‌های فرعی با چهارگانه‌های فرعی دیگر ارتباط وسیع‌تری یافته‌اند که از ارتباط هر یک از چهارگانه‌های اصلی با یک‌دیگر شکل گرفته است. به‌عبارت‌دیگر، ارتباط چهارگانه‌های فرعی با چهارگانه‌های فرعی دیگر ارتباطی مستقل به‌حساب نمی‌آید، بلکه به ارتباط هر یک از ابعاد چهارگانه اصلی با یک‌دیگر وابسته است.

در نهایت، از دل این ارتباط پیچیده، شناختی جامع از مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی حاصل می‌شود، شناختی که حاصل هم‌گشتگی حوزه‌های مختلف روش‌شناسی است. حوزه‌هایی که در دوران میان‌رشته‌ای هر یک به‌صورت مستقل و متعین فرض می‌شد و از قلمرو خاص خود برای شناخت بهره می‌گرفت. این قلمروهای مستقل در جریان یک امتزاج و هم‌گشتگی و در قالب ساختاری به‌هم‌تنیده به‌شکل مدل مذکور ترکیب شدند و پیکره‌ای ارگانیک را برای فهم سیاسی انقلاب اسلامی به‌وجود آوردند، پیکره‌ای که به شناخت همه‌جانبه، عمیق، و جامع از بُعد سیاسی انقلاب اسلامی انجامیده است.

۴. نتیجه‌گیری

سؤال اصلی مقاله این بود که رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی چگونه توانسته است به شناختی جامع از حوزه معرفتی سیاسی انقلاب اسلامی دست یابد؟ طبق یافته‌های این مقاله، مطالعات انقلاب اسلامی خود حوزه‌ای بین‌رشته‌ای محسوب می‌شود که شش حوزه کلان شامل مطالعات سیاسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات تاریخی، مطالعات اجتماعی، مطالعات فقهی، و مطالعات فلسفی - کلامی را در برمی‌گیرد.

پژوهش حاضر برای پاسخ‌دادن به سؤال اصلی در پی این بود که نشان دهد که چگونه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به‌مثابه یک حوزه تخصصی از مطالعات انقلاب اسلامی توانسته است کلیت انقلاب اسلامی را از چشم‌انداز سیاسی مطالعه کند. در این راستا، سعی شد با ذکر مطالبی و ترسیم مدل و نمودارهایی چگونگی و علل توفیق رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی در شناخت جامع بُعد سیاسی انقلاب اسلامی نشان داده شود.

قرار گرفتن مفهوم سیاسی انقلاب اسلامی در تقاطع روش‌های چهارگانه اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، و بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام توانسته است ابعاد وسیعی از مباحث سیاسی انقلاب اسلامی را در دو ساحت معرفت درونی و معرفت بیرونی - محیطی مطالعه و بررسی کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این رشته مطالعاتی **انقلاب اسلامی** را از منظر سیاسی ذیل چهار روش مطالعه می‌کند تا به شناختی منطقی از هر آنچه در حدود مفهومی آن قرار دارد دست یابد: برای شناخت ابعاد درونی سیاسی انقلاب اسلامی به کار بست دو حوزه روشی اندیشه سیاسی رهبران انقلاب و جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب می‌پردازد و برای شناخت ابعاد سیاسی بیرونی انقلاب اسلامی دو روش آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و بازتاب انقلاب اسلامی را به کار می‌برد.

باید توجه داشت که اساساً بر تمامی برساخته‌های بشری انتقاداتی وارد و اشکالاتی مترتب است و رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست و هم‌چون نهالی نوپا در نظام آموزش عالی ایران در حال بالندگی و شکوفایی است و به‌موقع خود به اصلاح و به‌روزشدن نیاز دارد. در نمودارهای شماره ۴ و ۸ نشان داده شد که مطالعه در فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی تنها به‌صورت جزئی از گرایش اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی مطالعه می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، مسئله فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی نه به‌مثابه گرایشی مستقل، بلکه در مقام یکی از اجزای چهارگانه یک گرایش از مجموع چهار گرایش مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی بررسی می‌شود. با توجه به ماهیت و ابعاد گسترده انقلاب اسلامی، به‌نظر می‌رسد طراحی و اجرای دوره‌های تحصیلات تکمیلی درباره حوزه‌های مطالعاتی اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، فلسفی - کلامی، و اجتماعی انقلاب اسلامی می‌تواند کمک شایانی به شناخت جامع انقلاب اسلامی کند و به‌نوبه خود آثار شگرفی در زمینه تحول علوم انسانی و علوم سیاسی در کشور داشته باشد و به نیازهای داخلی و خارجی موجود پاسخ دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برنامه‌درسی مقطع دکتری رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی با چهار گرایش در تیرماه سال ۱۳۹۲ در هشتصد و سی و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری به تصویب رسیده است و براساس مجوز دفتر گسترش آموزش عالی وزارت علوم از مهرماه ۱۳۹۳ در برخی از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دایر شده و دانشجوی می‌پذیرد. برای مطالعه بیشتر تر این برنامه‌درسی بنگرید به: برنامه‌درسی مقطع دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی قابل مشاهده در سایت www.msrt.ir.
۲. در حوزه فقر روش‌شناختی مطالعات انقلاب اسلامی آثار متعددی به رشته تحریر درآمده است. برای مطالعه بیشتر تر در این زمینه بنگرید به: حقیقت، ۱۳۸۲؛ هوشمندیار، ۱۳۸۸؛ سیدامامی، ۱۳۸۶؛ اردستانی، ۱۳۸۸.
۳. برای مطالعه بیشتر تر بنگرید به: التهاوی، ۱۹۹۶.
۴. برای مطالعه بیشتر تر در موضوع اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی بنگرید به: جمشیدی، ۱۳۸۴؛ مختارپور قهرودی، ۱۳۸۹؛ Klosko, 2012.
۵. برای مطالعه بیشتر تر در این زمینه بنگرید به: برنامه‌درسی مقطع دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، قابل مشاهده در سایت www.msrt.ir.
۶. برای مطالعه بیشتر تر در موضوع جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران بنگرید به: رفیع‌پور، ۱۳۹۱؛ خواجه سروی، ۱۳۸۲؛ شفیع، ۱۳۸۹.
۷. برای مطالعه بیشتر تر در این زمینه بنگرید به: برنامه‌درسی مقطع دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، قابل مشاهده در سایت www.msrt.ir.
۸. برای مطالعه بیشتر تر در موضوع آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی بنگرید به: منوچهری، ۱۳۸۸؛ الویری، ۱۳۸۶؛ Bell, 2003.
۹. برای مطالعه بیشتر تر در این زمینه بنگرید به: برنامه‌درسی مقطع دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، قابل مشاهده در سایت www.msrt.ir.
۱۰. برای مطالعه بیشتر تر در موضوع بازتاب انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام بنگرید به: برزگر، ۱۳۹۱؛ خاتمی و بحرانی، ۱۳۹۲؛ درخشه، ۱۳۸۴.
۱۱. برای مطالعه بیشتر تر در این زمینه بنگرید به: برنامه‌درسی مقطع دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، قابل مشاهده در سایت www.msrt.ir.

کتاب‌نامه

- آر، لیسا (۱۳۸۷). چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای، ترجمه سیدمحسن علوی‌پور و هم‌کاران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۲۴ نقدی بر رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی: هم‌گشتگی چهار حوزه روش‌شناختی

- اردستانی، علی (۱۳۸۸). *ساختار و ماهیت روش‌شناسی در علم سیاست*، تهران: قومس.
- افتخاری، قاسم (۱۳۸۷). «تلاش ناکام تحمیل بینش فلسفی به روش علمی در قرن بیستم»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، س ۳، ش ۳.
- التهواری، محمدعلی (۱۹۹۶). *موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بیروت: مکتبه لبنان.
- الویری، محسن (۱۳۸۶). «آینده‌پژوهی در اسلام»، در *الفبای آینده‌پژوهی*، تهران: مؤسسه فرهنگی کرانه علم.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۷). «تاریخچه، چیستی، و فلسفه پیدایی علوم میان‌رشته‌ای»، *فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، س ۱، ش ۱.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱). *نظریه‌های بازتاب انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴). *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۹). *آموزش و پژوهش علوم سیاسی در ایران: روش کارگاهی و آزمایشگاهی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۲). «بحران روش‌شناسی در علوم سیاسی»، *فصل‌نامه علوم سیاسی*، س ۶، ش ۲۲.
- خاتمی، محمدرضا و مرتضی بحرانی (۱۳۹۲). *دایرةالمعارف جنبش‌های اسلامی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۹). «بنیان‌گذاری گروه درس‌های روش‌شناسی در دوره کارشناسی علوم سیاسی» (دانش‌افزایی میان‌رشته‌ای)، *فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره سوم، ش ۱.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در نظام‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- درخشه، جلال (۱۳۸۴). *گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ذوعلم، علی (۱۳۹۳). «فلسفه مطالعات انقلاب اسلامی»، *فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی*، س ۱۱، ش ۳۶.
- رژکوله، نیکول (۱۳۸۸). *آموزش دانشگاهی و مطالعات میان‌رشته‌ای: چهارچوبی برای تحلیل، اقدام، و ارزیابی*، ترجمه محمدرضا دهشیری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۱). *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، تهران: انتشار.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶). *روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، تهران: فروزان روز.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶). *پژوهش در علوم سیاسی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه امام صادق (ع).
- شفیعی، محمود (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

زاهد غفاری هاشجین و محمد آقائی ۱۲۵

صدیقی، کلیم (۱۳۵۷). *نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات.

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۵). «آینده‌پژوهی سیاسی»، *راه‌برد*، س ۲۵، ش ۷۹.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۸). «برخورد تمدن‌ها یا برخورد با نظام سلطه»، فصل‌نامه *مطالعات انقلاب اسلامی*، س ۵، ش ۱۶.

مختارپور قهرودی، علیرضا (۱۳۸۹). *معارف انقلاب: مروری بر دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره انقلاب اسلامی*، تهران: انقلاب اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر*، قم: صدرا.

میلز، سی رایت (۱۳۸۲). *بینش جامعه‌شناختی*، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: شرکت سهامی انتشار.

هوشمندیار، نادر (۱۳۸۸). *روش تحقیق در مدیریت، مدیریت سیاسی، و روابط بین‌الملل*، تهران: هزاره سوم اندیشه.

Bell, Wendell (2003). *Foundation of Future Studies: History, purposes, and Knowledge (Human Science for New Era)*, London: Transaction Publisher.

Carter, Stacy M. and Miles Little (2007). "Justifying Knowledge, Justifying Method, Taking Action: Epistemologies, Methodologies and Methods in Qualitative Research", *Qualitative Health Research*, Vol. 17, No. 10.

Heidegger, Martin (1997). *Science and Reflection in the Question Concerning Technology and Other Essays Trans*, New York: Harper and Row.

Harding, S (1998). *The Foundation of Social Research*, London: Sage Publication.

Klosko, George (2012). *The Oxford Handbook of History of Political Philosophy*, Oxford: Oxford University Press.